

شنبه • ۱۶ اسفند ۱۳۹۳ • سال دوازدهم • شماره ۲۲۵۴ • ۹

روزنامه		
جهان		
«رافائل» آمد و چسبیده ما؛ گفت وگو با کیارستمی و غرب زاده		صفحه ۱۰
«فخرالدینی»، پیشنهاد «علیزاده» بود؛ گفت وگو با نجفی		صفحه ۱۱
پودموس؛ پیکار فیلسوفان برای قدرت		صفحه ۱۲

یادداشت
آمریکا و آزادسازی موصل
وفیق السامری ـ رییس پیشین اطلاعات ارتش عراق

این امری قابل توجه است که هربار داعش نشان می‌دهد به سمت حومه شهر موصل به‌ویژه در مجاورت منطقه اقلیم کردستان عراق در حال پیشروی است، به‌سرعت توسط نیروی هوایی آمریکا هدف حمله قرار می‌گیرد.
خلاف موصل، در غرب استان الانبار جایی که به‌مراتب وضعیت خطرناک‌تری وجود دارد، آمریکایی‌ها واکنش چندانی از خود نشان نداده‌اند. این موضوع باعث ایجاد پرسش‌ها و تردیدهایی شده است که خود موجب طرح نظریه‌های توطئه می‌شود.

چند هفته پیش، مقام‌های آمریکایی درباره برنامه‌های موجود برای آزادسازی موصل در بهار آینده صحبت کردند. آنان حتی از این عملیات به عنوان مأموریتی «قریب‌الوقوع» یاد کردند؛ اقدامی که مغایر با سنت‌های اطلاعاتی و محاسباتی است.

«قریب‌الوقوع» و «فوری» به عملیاتی اطلاق می‌شود که در عرض چندساعت یا حداکثر چندروز انجام شوند. در واقع، در حال حاضر هیچ‌گونه شواهدی وجود ندارد که نشان دهد چنین موفقیتی به دست آمده است. تعداد اعضای داوطلب محلی برای انجام عملیات کم هستند و تجهیزات و توانایی‌ها نیز به میزان کافی نیستند. با وجود آنکه نیروهای عراقی در چندین‌بصره سرگرم عملیات هستند، به نظر می‌رسد اهداف به‌مراتب مهم‌تری در مقایسه با موصل چه از نظر استراتژیک و چه امنیتی وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به استان صلاح‌الدین و غرب بغداد به‌ویژه در استان الانبار اشاره کرد.

بنابراین در پشت‌پرده تمرکز بیش از اندازه آمریکا بر موصل چیست؟ در اساس و به جهت به اطلاعات موجود، آزادسازی موصل چیزی جز پروژه اقلیم کردستان عراق و «مسعود بارزانی» رییس آن اقلیم برای اعمال فشار بر دولت عراق در زمانی که تنش میان دوطرف بالا گرفته نیست، این موضوع آنجا مشخص می‌شود که این موضوع مرتبط با اصل ۱۴۰قانون‌اساسی درباره «نواحی مورد اختلاف» است که هنوز نزاع بر سر آنها حل‌وفصل نشده است. همچنین آزادسازی موصل و جنوب‌غربی کرکوک سبب از سر گرفته‌شدن صادرات نفت از کرکوک به ترکیه از طریق خطوط لوله ملی به جای انتقال موقت نفت از طریق مناطق کردنشین تحت کنترل دولت مرکزی بغداد خواهد شد.

این موضوع باعث بیدارشدن حساسیت‌های تاریخی در میان مردم موصل خواهد شد؛ به‌خصوص در زمانی که نیروهای پیشمرکه از بهائزتاژل‌آوردن برچم عراق در عملیات خود خودداری کرده‌اند. در این‌میان، اظهارات بارزانی مبنی بر آنکه مرزهای جدید با خون تعیین می‌شوند نیز بر شدت تنش دامن زده و بی‌انیه‌ای است که می‌تواند نیت خطرناک او را نشان داده و باعث ایجاد اختلاف شود. بنابراین در چنین شرایطی چرا آمریکایی‌ها بر لزوم آزادسازی موصل تاکید می‌کنند؟

احتمالاً این رویکرد از تعهد آمریکا نسبت به این موضوع ریشه می‌گیرد که آن کشور اجازه نخواهد داد اقلیم کردستان عراق با تهدید ناگهانی از سوی داعش مواجه شود. این منطقی است که می‌تواند بارزانی را متقاعد کند؛ اما در میان مقام‌های دولت مرکزی در بغداد، صداهای تردیدآمیزی به گوش می‌رسد چرا که برخی از آنان از هدفی بین‌المللی برای ایجاد اختلاف در عراق می‌گویند و عده‌ای دیگر نیز معتقدند این اقدامات بخشی از پروژه اخوان‌المسلمین برای هدف قراردادن وحدت عراق است. من متوجه چنین احساساتی که از سوی چندین‌بازنگر سیاسی بیان شده‌اند، هستم و می‌دانم که می‌تواند تهدیدی علیه وحدت عراق و گشاینده راه به سوی جنگی ویرانگر باشد.

در طرف دیگر، کل مشکلات در الانبار می‌تواند باعث تقویت موضع امنیتی در بغداد و در کل کشور شود. این موضوع می‌تواند به حذف تروریسم و دفاع از مرزهای عراق، اردن، عربستان سعودی و کویت کمک کند. دستیابی به این موفقیت نسبت به مبارزه علیه داعش در موصل، اولویتی استراتژیک دارد. مردم موصل ارتش مقاومت علیه داعش تشکیل نداده‌اند. هیچ‌گونه عملیاتی علیه داعش در آن شهر دومیلیونی صورت نگرفته است. این در حالی است که در الانبار، مردم آن شهر باید از مبارزه در مقابل داعش عقب‌نشینی نکرده‌اند و هزاران نفر در این راه جان خود را از دست داده‌اند درنتیجه مردم آن شهر باید در اولویت دریافت کمک و پادش قرار گیرند.

اگرچه استان نینوا و موصل در قلب عراقی‌ها جای دارند، اما آزادسازی آن باید توسط کسانی صورت گیرد که برای وحدت و آینده عراق ارزش و احترام قابل هستند. این امر مستلزم آن است که پیش از تجاوز مردم از موصل، اولویتی استراتژیک دارد. مردم موصل ارتش مقاومت علیه داعش تشکیل نداده‌اند. هیچ‌گونه عملیاتی علیه اقدامات خود را بپذیرند و بداندند اقدامات آنان تأثیرات روانی و اجرایی بدی بر وضعیت استان داشته است.

بازگشت این افراد به صحنه می‌تواند باعث ایجاد سردرگمی بیشتر شود چراکه آنان یا با هماهنگی با ریاست اقلیم کردستان عراق یا همسایگان این کشور هستند. در نتیجه، پیروزی علیه داعش در آن منطقه خود می‌تواند باعث ایجاد مشکلی به‌مراتب خطرناک‌تر برای کلیت عراق شود.

باوجود آنکه خطر داعش آشکارا و کوتاه‌مدت است، اما تجزیه عراق تهدیدی خطرناک‌تر است که وجود دارد، زیرا می‌تواند توسط افرادی ساده صورت پذیرد. در نتیجه دولت مرکزی عراق باید به تدوین چشم‌اندازی روشن مشغول باشد.

شنبه • ۱۶ اسفند ۱۳۹۳ • سال دوازدهم • شماره ۲۲۵۴ • ۹

روزنامه		
جهان		
«رافائل» آمد و چسبیده ما؛ گفت وگو با کیارستمی و غرب زاده		صفحه ۱۰
«فخرالدینی»، پیشنهاد «علیزاده» بود؛ گفت وگو با نجفی		صفحه ۱۱
پودموس؛ پیکار فیلسوفان برای قدرت		صفحه ۱۲

نگاه
بغداد در یک قدمی ریاض

عکس: Reuters

خط لوله بصره، بدون شک بغداد را به یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت جهان تبدیل می‌کند. دولت بغداد ادعا می‌کند ذخایر نفتی به ارزش ۱۴۳میلیاردبشکه دارد؛ این به آن معناست که با این میزان ذخایر نفتی، عراق سومین دارنده نفت در جهان است. در ماه آوریل سال گذشته میلادی، عراق روزانه دوونیم میلیون بشکه نفت استخراج می‌کرد؛ رقمی که از سال ۱۹۸۰ میلادی تاکنون بی‌سابقه بوده و حدود ۹میلیارد دلار را روانه صندوق سلیمانیه هستیم اما اجازه پرواز و برج مراقبت در بغداد است و نمی‌توان در انتقال کالا و انسان، به شیوه مستقل عمل کرد.

✎ شما روابط نزدیکی با ملامصطفی بارزانی داشته‌اید. لطفا درباره آن دوران به اختصار برایمان صحبت کنید.
من از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۶ و شکست جنبش کردی، با ملامصطفی همراه بودم. به عنوان عضو کمیته سیاسی، مترجم و پزشک، با ایشان ارتباط نزدیک داشتم. از هرلحاظ نزدیک بودیم. در چندین سفر خارجی با او همراه بودم و همکاری‌های فراوانی داشتم.

✎ ملامصطفی در کل از نظر سیاسی و شخصیتی، چگونه فردی بود؟
پیش از هرچیز باید بگویم انسان بسیار باتجربه‌ای بود. هم در کردستان عراق، هم در دوران جمهوری مهاباد در سال ۱۹۴۶ میلادی، تجارب بزرگی را پشت‌سر گذاشته بود. می‌دانید در آن دوران همراه با ۶۰۰نفر از نیروهای پیشمرکه تحت امر خود، به مدت ۵۲روز، از طریق مرز ایران و عراق خود را به روسیه رساند. طی این مسیر سخت و طولانی، یک رویداد تاریخی بی‌نظیر بوده است. انسان متواضع و ساده‌زیستی بود. او رهبر حزب بود اما با همه اقشار و گروه‌های جامعه به‌راحتی ارتباط برقرار می‌کرد.

✎ به اعتقاد شما، ملامصطفی در رهبری حزب و هدایت جنبش کردی، نسبت به شرایط آن دوران، یک فرد دموکرات بود؟
جنبش ما در آن دوران، حرکتی مسلحانه بود. قاعدا نمی‌توان انتظار داشت رهبر یک جریان مسلحانه، در رفتار حزبی خود، به‌طور کامل براساس قواعد دموکراتیک عمل کند. به نظر من براساس شرایط حاکم بر یک جنبش مسلح، رفتار خوبی با اطرافیان خود داشت.

✎ در سده بیستم در کردستان عراق، شاهد بروز نسل‌های مختلفی از سیاستمداران و رهبران کرد هستیم و به عنوان مثال شیخ‌محمود برزنجی، پیش از ملامصطفی فعالیت کرده، پس از ملامصطفی نیز افرادی همچون ابراهیم احمد و مام جلال طالبانی و بعدها نیز افراد دیگری همچون مسعود بارزانی، نوشیروان مصطفی، برهم صالح، نیجروان بارزانی و دیگران به صحنه آمده‌اند. اگر بخواهید در این روند تاریخی، ملامصطفی را با نسل پیش و پس از او مقایسه کنید، چه نتیجه‌ای به دست می‌آورید؟

هرکدام از آنها در دوره‌ای و براساس شرایط خاص آن دوره عمل کرده‌اند، مثلاً شیخ‌محمود در دهه سوم سده بیستم، به عنوان پادشاه کردستان عراق شناخته شده و براساس توانمندی‌های خود، نقشی را ایفا کرده است. در ترکیه نیز شیخ‌سعید پیران و در ایران، قاضی محمد، هرکدام نقش خاص خود را ایفا کرده‌اند. اما اگر چنین مقایسه‌ای انجام دهیم، به نظر من، افرادی که بعد از ملامصطفی به صحنه آمده‌اند، به اندازه او، قدرتمند نبودند و شاید، ملامصطفی برای کردها مناسب‌تر و توانمندتر بود.

البته اختلافات داخلی هم در مسایل سیاسی کردها، تأثیر مخرب فراوانی گذاشته است، مثلاً در همان دوران، ملامصطفی با ابراهیم احمد و مام جلال طالبانی دچار اختلاف شد، بعدها حزب دموکرات و حزب اتحادیه میهنی روی هم سلاح کشیدند و جنگ برادرکشی درگرفت، همچنین بین پ‌ک‌ک و حزب دموکرات و بعدها بین پ‌ک‌ک و اتحادیه، جنگ درگرفت و این مسایل، روی همه معیارها تأثیر گذاشته است. در کل می‌توانم بگویم تا آنجایی که

من ملامصطفی را از نزدیک شناخته و با او کار کرده‌ام، می‌دانم با اطرافیان رایزنی می‌کرد، در میان مردم بود، روستا به‌روستا با مردم صحبت می‌کرد و نظرات آنان را جویا می‌شد اما در برابر مخالفتش هم کوتاه نمی‌آمد و با آنان برخورد می‌کرد.

✎ در دوران مذاکره و گفت‌وگو با صدام حسین، شما مذاکره‌کننده ارشد کردها بودید. لطفا درباره تجارت و برداشت‌های خود در آن دوران، برایمان صحبت کنید.

از ۵۲سال پیش در مذاکرات کردها و بغداد، نقش داشته‌ام. نقش مهم من در سال ۱۹۷۰ بود. من رئیس هیات مذاکره‌کننده کردها بودم و توافقنامه کردها و بغداد در آن دوران امضا شد و حق اتونومی را برای کردها پذیرفتند اما بعداً زیر حرفشان زدند. از آن دوران تا حالا، بین ما و بغداد، سه‌مشکل و اختلاف اصلی وجود داشته است: ۱- مساله مرزها و تعیین قلمرو مناطق کردها که در این حوزه، اختلاف نظر مهمی به نام کرکوک وجود دارد. ۲- مساله چندوچون سازماندهی نیروهای پیشمرکه و شاکله دفاعی و نظامی. ۳- مساله اقتصاد و نفت.

✎ شما بارها از نزدیک با صدام دیدار کرده‌اید. صدام چگونه فردی بود؟
به اعتقاد من، صدام فردی دوشخصیتی بود. خیلی وقت‌ها پشت میز مذاکره، آرام و خونسرد برخورد می‌کرد، حرف‌ها و خواسته‌های ما را می‌پذیرفت، صبورانه به سخنان ما گوش می‌داد، وانمود می‌کرد حرف ما را قبول می‌کند. اما در همان لحظات هم خب می‌دانستیم او شخصیت دیگری هم دارد که به‌راحتی دستور اعدام و شکنجه می‌دهد و چندین‌بار دستور داده بود مخالفتش را به قصر دعوت کرده و در فنجان قهوه آنها سم بریزند. بنابراین دوجوه متمایز داشت. صدام یک عنصر خطرناک، مجرم و چندلایه و پر تناقض بود.



گفت‌وگوی «شرق» با دکتر «محمود عثمان» نماینده کُرد مجلس نمایندگان عراق:

اتحاد، تنها راه ازین بردن داعش

محمدعلی دستمالی

است. چراکه شناخت دقیقی از کشورهای دیگر ندارند و تنها با اتکا به قدرت نظامی و فناوری، قدم برداشته‌اند و وقتی که وارد یک کشور شده و آنجا را ترک می‌کنند، مشکلات بزرگی را پشت‌سر خود بر جای می‌گذارند. نمونه و مصادیق بسیاری برای این رویکرد آمریکا وجود دارد که عراق فقط یکی از آنهاست. در کل معتقدم هرگونه مداخله خارجی، برای آینده عراق در‌دسرساز است.

✎ ایران و ترکیه در صحنه عراق، دارای قدرت اثرگذاری هستند. به نظر می‌رسد گونه‌ای از رقابت بین این دوکشور وجود دارد که در صحنه عراق نیز قابل مشاهده است. به نظر شما رقابت بین ایران و ترکیه به چه فرجامی می‌رسد؟

به نظر من این رقابت همچنان ادامه پیدا می‌کند. ترکیه از نظر اقتصادی و قدرت در دست‌گرفتن بازار عراق، نسبت به ایران از وضعیت بهتر و مطلوب‌تری برخوردار است. از نظر سیاسی، آنکارا تلاش می‌کند با سنی‌های عراق رابطه خوبی داشته باشد. اردوغان مانند یک سلطان رفتار می‌کند و در رویای احیای امپراتوری عثمانی است. آنها می‌خواهند همه اهل‌سنت خاورمیانه را با خود همراه کنند و البته در این مسیر موفق نبوده‌اند. اما ایران در عراق، از نفوذ سیاسی بسیار عمیق‌تری برخوردار است و از دیرباز با همه عناصر ابوزیسیون در عراق ارتباط داشته و از آنان حمایت کرده است. طبیعتاً در عراق، شیعه از قدرت فراوانی برخوردار است و ایران نیز با شیعه و همچنین با کردها روابط مستحکمی دارد. بنابراین می‌توان گفت در صحنه رقابت ایران و ترکیه در عراق، نفوذ سیاسی و امنیتی ازان ایران و قدرت اقتصادی در دست ترکیه است.



من معتقدم ترکیه به کردها اعتماد ندارد و نمی‌خواهد با کردها همکاری و تعامل داشته باشد. آنکارا کردهای خود را تروریست قلمداد می‌کند و با کردهای خارج از مرزهای خود، تنها به این دلیل ارتباط برقرار می‌کند که منافع اقتصادی و امنیتی خود را تأمین کند و من معتقدم کردها باید هوشیار باشند و به ترکیه اعتماد نکنند. نمی‌توان برای یک رابطه استراتژیک استراتژیک و درازمدت، روی ترکیه حساب باز کرد

✎ در شرایط کنونی، کردها و به‌ویژه حکومت اقلیم کردستان عراق و حزب دموکرات کردستان، به ترکیه نزدیک‌تر شده‌اند و روابط بین آنها و ترکیه، بیشتر از مرزهای خود، تنها به این دلیل ارتباط برقرار می‌کند که منافع اقتصادی و امنیتی خود را تأمین کنند و من معتقدم کردها باید هوشیار باشند و به ترکیه اعتماد نکنند. نمی‌توان برای یک رابطه استراتژیک استراتژیک و درازمدت، روی ترکیه حساب باز کرد. ترکیه هم‌اکنون از داعش حمایت می‌کند و این در حالی است که داعش، اصلی‌ترین دشمن ما کردهاست. شاید بتوان گاه در بالانس و موازنه روابط و در بحث رابطه با بغداد به ترکیه نزدیک شد و از آن به عنوان جایگزین موقت بهره برد، اما چنین چیزی نباید جنبه استراتژیک و درازمدت داشته باشد.

آیا موقعیت جغرافیایی اقلیم کردستان عراق، در این مساله تأثیرگذار است؟
بله، متأسفانه ما از منظر جغرافیای سیاسی در شرایط خوبی قرار نگرفته‌ایم. سرزمین ما بین ترکیه، ایران، عراق و سوریه قرار گرفته و همین‌مساله، ناچاری‌های سیاسی خاصی را بر ما تحمیل می‌کند. هرکدام از این کشورهای مجاور، منافع و مصالح خاص خود را دارند و به‌ویژه در شرایطی که ما با بغداد، دچار اختلاف شده‌ایم، دشواری‌های دیگری هم بر سر راه ما قرار گرفته است. می‌دانید قلمرو سیاسی دوحزب اصلی اقلیم به گونه‌ای است که قلمرو حزب اتحادیه میهنی (به رهبری مام جلال طالبانی) همسایه ایران و قلمرو حزب دموکرات کردستان (به رهبری مسعود بارزانی) در مجاورت ترکیه است و این ویژگی جغرافیایی، بر سیاست خارجی این دوحزب اثرگذار است. اگر این احزاب می‌توانستند مشکلات و اختلافات خود را با بغداد حل کنند، ناچار نمی‌شدند از دیگران کمک بخواهند. در کل باید بپذیریم ناچاری‌های جغرافیای سیاسی، کاری

دکتر محمود عثمان در سال ۱۹۳۸ در خانواده‌ای فقیر در شهر کوچک «پنجوین» کردستان عراق به دنیا آمد. در ۱۷سالگی و در دوران دبیرستان به عضویت حزب دموکرات کردستان درآمد. در سال ۱۹۵۶ و در حال تحصیل در رشته پزشکی دانشگاه بغداد، دبیر اتحادیه دانشجویان کرد شد. در سال ۱۹۶۱ با رتبه عالی، تحصیل در رشته طب را به پایان رساند و دوسال پس از آن به کوه‌های کردستان رفت و به عنوان پیشمرکه و پزشک به نیروهای «لامصطفی بارزانی» نخستین رهبر حزب «دموکرات کردستان عراق» پیوست. او خیلی زود نزد ملامصطفی اعتبار یافت و در سال ۱۹۶۴ به عنوان یکی از سران انقلاب کردها با واشگنگتن را شکل بدهد. پس از ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۷ به عنوان نماینده جنبش کردها به اروپا و آمریکا رفت. تا سال ۱۹۷۵ همواره به عنوان مترجم، پزشک و مشاور در کنار ملامصطفی بود. او سپس به عنوان رئیس هیات مذاکره‌کننده کردها با بغداد انتخاب شده و چندین‌بار با صدام حسین و معاونان او مذاکره کرد. دکتر محمود در سال ۲۰۰۲ با مرحوم ادريس بارزانی فرزند ارشد ملامصطفی، مخفیانه به آمریکا رفت تا روابط جنبش کردها با واشگنگتن را شکل بدهد. پس از درهم‌شکسته‌شدن جنبش ملامصطفی، به کردستان عراق بازگشت و در سال ۱۹۷۹ حزب سوسیالیست کردستان را تأسیس کرد. او همچنان در صحنه سیاسی به فعالیت خود ادامه داد و به مدت هفت‌سال به عنوان میانجی، تلاش کرد به اختلافات داخلی احزاب کردستان عراق پایان دهد. در سال ۲۰۰۲ در کنفرانس نیروهای ابوزیسیون عراقی در لندن نقش مهمی در هموارسازی مسیر از میان‌برداشتن رژیم بعث ایفا کرد و در سال ۲۰۰۳ به عنوان یکی از اعضای شورای حکمرانی عراق انتخاب شد. او از سال ۲۰۰۵ تاکنون به عنوان یکی از اعضای ائتلاف میهنی کردها، در مجلس عراق در بغداد، به عنوان نماینده فعالیت می‌کند.

✎ شما از نیم‌قرن پیش تاکنون در عراق مشغول فعالیت سیاسی هستید. طی این مدت، تحولات تاریخی مهمی در عراق روی داده‌اند. ارزیابی شما از شرایط کنونی کشورتان چیست؟

من از دوران اقتدار پادشاه در عراق، تاکنون مشغول فعالیت سیاسی هستم و پس از روی‌دادن آن کودتای نظامی و سر برآوردن رژیم خونخوار صدام حسین تا دوره‌های دیگری همچون سقوط رژیم صدام و تحولات اخیر، همواره در این کشور، چیزی به نام ثبات و امنیت وجود نداشته است. عراق، درگیر مشکلات بزرگی است. همواره خواسته‌اند مشکلات این کشور را با راهکار نظامی حل کنند و چنین چیزی شدنی نیست. عراق هنوز هم ثبات لازم را پیدا نکرده و متأسفانه با معضلات حل‌نشده فراوانی دست‌به‌گریبان است.

✎ جدی‌ترین و مهم‌ترین دلیل بی‌ثباتی در عراق چیست؟
میلاد کشوری به نام عراق، طبیعی نبوده و این کشور عمر چندانی ندارد. به عنوان مثال، انگلیسی‌ها تلاش کردند با توسل به زور و دیگر راهکارها، کردها را به عراق بچسبانند. شیعه و سنی هم مشکلاتی داشته و دارند که هیچ‌گاه حل نشده‌اند. از این گذشته، هم کشورهای مجاور و هم کشورهای خارج از منطقه، همواره در اوضاع و احوال عراق اثرگذار و مداخله‌گر بوده‌اند. مسوولان هم به دنبال شناخت، تعامل و گفت‌وگو نبوده‌اند و همواره بنا بر این بوده که یکی، دیگری را شکست دهد. از این منظر می‌توان گفت عراق نسبت به کشورهای دیگر جهان سوم، معضلات عمیق‌تر و پیچیده‌تری دارد و از آنجایی که عمر این کشور، کمتر از یکصدسال است، بسیاری از مشکلات، هنوز هم به قوت خودشان باقی هستند. اگر چنین عواملی در میان نبودند، کشور نفتی و ثروتمندی به نام عراق، باید الان در جایگاه خوب و مثبتی بود.

اصلی‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده عراق، شیعیان، سنی‌ها و کردها هستند. به اعتقاد شما، کدام نقاط مشترک، می‌تواند باعث اتحاد و انسجام این عناصر شود؟ آیا راهبرد خاصی وجود دارد که براساس آن، عناصر مزبور متحد شوند؟

والله به نظر من، این عناصر یکی نمی‌شوند. قانون‌اساسی عراق تا حدی این عناصر را به هم پیوند زده و از این گذشته، توافقنامه‌هایی بین کردها و بغداد و دیگر عناصر امضا شده‌اند. اما باید پرسید: آیا به قانون و همچنین به توافقات موجود، عمل شده است؟ خیر. متأسفانه عمل نشده است. در نتیجه نیروهای سیاسی و مذهبی در نقطه‌ای به نام منافع ملی، با همدیگر متحد شده‌اند.

هم‌اکنون کشورهایی همچون آمریکا، ایران و ترکیه هرکدام به‌نوعی، در عراق نقش خاصی دارند و اثرگذاری‌های بعضی از این کشورها نیز مشکلات دیگری به وجود می‌آورد چراکه بدون شک منافع این کشورها یکی نیست. این مساله نیز موجب شده عراق دچار مشکلات بیشتری شود.

✎ آمریکا در عراق چه رویکردی دارد؟ ارزیابی کلی شما از نقش آمریکا در عراق چیست؟

نه‌تنها در عراق، بلکه در هر جای جهان که آمریکایی‌ها، با نیروی نظامی وارد میدان شده‌اند، مشکلات بزرگی برای مردم آن کشورها به وجود آمده است. ممکن است آنان به برخی نیروها کمک کرده و برخی اقدامات خاص هم انجام داده باشند، اما در نهایت، نتوانسته‌اند مشکلات موجود را حل کنند و حضور و اثرگذاری خود آنان نیز مشکلات دیگری به وجود آورده